

از گوشه و کنار ایران

مسافر عصبانی راننده را کشت

دختر جوان که در یک درگیری راننده تاکسی را به قتل رسانده بود دستگیر شد.

سرهنگ علی سلیمانی، فرمانده انتظامی ساوجبلاغ در تشریح این خبر گفت: در پی اعلام مرکز فوریت‌های پلیسی مبنی بر قتل یک راننده مسافر در ایستگاه تاکسی «شهرک ینگ امام» شهر هشتگرد ساوجبلاغ، رسیدگی به موضوع در دستور کار مأموران انتظامی این شهرستان قرار گرفت. با حضور مأموران در محل جرم و انجام تحقیقات لازم مشخص شد یکی از رانندگان تاکسی با یک خانم مسافر، بر سر سوار شدن به یک تاکسی دیگر درگیر شده و مسافر خانم با برداشتن سوئیچ خودرو و حمله ور شدن به راننده تاکسی، وی را از ناحیه سر مورد جراحت قرار داده که با بی‌هوش شدن راننده، خانم مسافر فرار کرده بود. پس از انتقال مجروح به بیمارستان وی جان باخت و مأموران با هماهنگی مقام قضایی و انجام اقدامات اطلاعاتی و پلیسی، متهم را در کمتر از یک ساعت در شهر هشتگرد شناسایی و دستگیر کردند.

قتل عام خانوادگی به خاطر اختلاف مالی

مرد کینه جو به خاطر اختلاف ملکی با خانواده‌اش ۵ نفر را قتل عام کرد.

سرهنگ بهمن گرجیان، فرمانده انتظامی بویراحمد در تشریح این خبر گفت: حدود ساعت ۱۰ شب جمعه ۲۸ مهر مردی ۲۶ ساله با در دست داشتن یک اسلحه به خانه دو برادر خود در یکی از روستاهای دهستان دشتروم بویراحمد رفته و با شلیک گلوله ۲ برادر ۴۰ و ۴۵ ساله‌اش و ۱۸ دختر ۹ و ۹ ساله برادرش و مادر آنها را قتل رساند.

به محض اعلام این جنایت به پلیس و با حضور بموقع مأموران در محل حادثه عامل این جنایت پس از دو ساعت دستگیر و دو قبضه سلاح کمری و ساچمه‌زنی که در این حادثه از آن استفاده کرده بود، از او کشف شد.

متهم در بازجویی‌ها انگیزه خود را از این جنایت‌ها اختلاف ملکی عنوان کرد. سرهنگ گویلیو بویراحمد هم گفت: بررسی‌ها نشان داد متهم به قتل که با شکایت خانواده‌اش و اختلاف قدیمی به زندان افتاده بود پس از آزادی به قصد انتقام جویی اقدام به قتل هولناک پنج عضو خانواده‌اش کرده است.

هاشمی افزود: متهم خواهر خود را نیز مجروح کرده بود که برای درمان به بیمارستان شهید جلیل یاسوج انتقال یافت.

راننده فراری دستگیر شد

نیروی انتظامی استان سمنان از توقیف و دستگیری راننده‌های خبر داد که در محور سمنان-مهدیشهر باعث مرگ یک عابر شده بود.

روز جمعه یک تصادف در محور سمنان به مهدیشهر به پلیس اعلام و مشخص شد یک تریه افغانستان در اثر تصادف جان باخته و راننده از محل فراری شده است. پلیس راه استان اعلام کرد: با اقدام بموقع پاسگاه پلیس راه شهسوار - کبابسر و با تلاش کلانتری شهر درجزین و هوشیاری تیم‌های کشتی‌فعال در محور در کمتر از دو ساعت خودرو ضارب شناسایی، توقیف و راننده برای سیر مراحل قانونی به مراجع قضایی تحویل داده شد.

انتقام خونین از دو کشاورز

مردان مسلح که به خاطر اختلاف بر سر کارهای کشاورزی دو کشاورز را به قتل رسانده بودند، دستگیر شدند.

سردار علی ابراهیمی، فرمانده انتظامی استان قزوین اظهار کرد: در پی دریافت گزارش‌های مردمی مبنی بر وقوع یک قتل با سلاح گرم و مصدمیت یک نفر دیگر در زمین‌های کشاورزی یکی از روستاهای شهرستان آوج و انتقال مصدوم به بیمارستانی در شهرستان «خداپنده» استان زنجان، بررسی موضوع به صورت ویژه در دستور کار پلیس آگاهی قرار گرفت.

در ادامه مرد مصدوم نیز در بیمارستان جان باخت و با انجام بررسی‌های تخصصی مشخص شد مقتولان به وسیله اسلحه شکاری افرادی ناشناس مورد هدف قرار گرفته‌اند.

سردار ابراهیمی گفت: با انجام اقدامات فنی - پلیسی ۲ متهم این پرونده شناسایی و دستگیر شدند. انگیزه ارتکاب جرم توسط قاتلان اختلافات بر سر امور کشاورزی بوده است.

برادرکشی در گرگان

پسر جوان که از دست اذیت‌های برادر معتادش به ستوه آمده بود وی را به قتل رساند.

سرهنگ امیر حسام، سرپرست آگاهی گلستان گفت: همزمان با اعلام خبر درگیری میان دو برادر ۲۱ و ۲۹ ساله در یکی از محله‌های گرگان، بلافاصله مأموران در محل حادثه حضور یافتند. پس از حضور مأموران در محل مشخص شد در جریان یک نزاع و درگیری بین ۲ برادر به علت اختلافات خانوادگی، برادر ۲۹ ساله که دچار اعتیاد هم بوده بر اثر اصابت ضربات چاقو به قتل رسیده است. بنا بر این متهم در کمتر از یک ساعت دستگیر شد و انگیزه‌اش از قتل را اختلافات خانوادگی و اذیت و آزار برادرش عنوان کرد.

بازشدن بسته مواد مخدر در معده قاچاقچی

مرد قاچاقچی که ۱۱۷ بسته مواد مخدر بلعیده بود به علت پاره شدن کیسه‌ها روانه بیمارستان شد.

سرهنگ زنگنه فرمانده انتظامی شهرستان ریاط کریم گفت: در پی تماس با مرکز فوریت‌های پلیس ۱۱۰ مبنی بر اینکه فردی بد حال با مراجعه به بیمارستان شهرستان ریاط کریم، مشکوک به حمل و بلع مواد مخدر است بلافاصله مأموران پلیس مبارزه با مواد مخدر شهرستان ریاط کریم در محل حاضر شدند. در بررسی‌های تخصصی از معده فرد قاچاقچی، ۱۱۷ بسته تریاک به وزن یک کیلوگرم کشف شد که به علت حجم مواد مخدر، متهم در بیمارستان بستری و زیر تیغ جراحی رفت.

به گفته سرهنگ زنگنه، متهم در بیمارستان در مراقبت کامل بستری بوده و در این خصوص پرونده تشکیل شده و برای سیر مراحل قانونی تحویل مرجع قضایی شد.

متهم به قتل از سوی اولیای دم بخشیده شد

قتل هولناک دختر و برادر در یک روز



گروه حوادث / پرونده مردی از اتباع بیگانه که برادر و دختر نوجوانش را به قتل رسانده بود در حالی به دادگاه کیفری یک استان تهران رفت که اولیای دم گذشت خود را اعلام کرده‌اند و وی تنها از جنبه عمومی جرم محاکمه می‌شود. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از اردیبهشت سال قبل با مراجعه زن میانسالی که مدعی بود پسر ۲۸ ساله‌اش به نام رحمان ناپدید شده است، آغاز شد.

وی در توضیح ماجرا گفت: چند سال پیش به اتفاق دو پسر برای کار به ایران آمدم. یک هفته بعد دو پسر رحمان و اکبر در شریف‌آباد پاکدشت مشغول به کار شدند. آنها هر روز صبح سرکار می‌رفتند و شب برمی‌گشتند. آخرین باری که او را دیدم به همراه برادرش اکبر از چند ساعت خارج شدند اما پس از چند ساعت اکبر تنها برگشت و مدعی شد رحمان برای انجام کاری از من جدا شد و گفت خودش برمی‌گردد اما دو روز گذشته و او برنگشته است.

افشای راز جنایت

پس از آن مأموران در نخستین گام اکبر ۲۴ ساله را احضار کردند و تحت بازجویی قرار دادند. او ابتدا سعی داشت مسیر تحقیقات را منحرف کند اما وقتی در برابر شواهد قرار گرفت به ناچار به قتل برادرش اعتراف کرد و در تشریح ماجرا گفت: چند روز پیش دختر ۱۴ ساله‌ام گفت که عمویش به او تعرض کرده است و من هم چاره‌ای جز قتل او نداشتم. دخترم با نشان دادن یک فیلم این موضوع را ثابت کرد و من هم بلافاصله به بهانه‌ای با برادرم تماس گرفتم و او را به بیابان‌های شریف‌آباد کشاندم و با چند ضربه چاقو کارش را تمام کردم.

اگر زنده می‌ماند باز هم تلاش می‌کردم او را بکشم چون سزای کارش فقط مرگ بود.

پس از اعتراف صریح متهم، مأموران به محل جنایت رفتند و در حالی که بخشی از جسد توسط حیوانات خورده شده بود بقیه جسد را کشف کردند.

افشای راز دومین جنایت

در حالی که به نظر می‌رسید تحقیقات درباره پرونده به سرانجام رسیده همسر اکبر راز جنایت دیگری را برای مأموران فاش کرد. زن جوان که به اداره آگاهی رفته بود به پلیس گفت: صبح روزی که برادرشوهرم کشته شد اکبر دخترم را به خانه خرید لباس، از خانه بیرون برد و چند ساعت بعد تنها برگشت و وقتی جویای حال دخترم شدم، او گفت دخترمان را از کشور خارج کرده و دیگر هم سراغش را نگیر. حالا که فهمیدم شوهرم برادرش را کشته

احتمال می‌دهم دخترم را هم کشته باشد. پس از آن اکبر بار دیگر تحت بازجویی قرار گرفت و این بار به قتل دخترش اعتراف کرد و گفت: وقتی موضوع تعرض را فهمیدم دنیا پرایم تیره و تار شد، دیگر زنده ماندن او فایده‌ای نداشت. دخترم را با خودم بیرون بردم و با او صبحانه خوردیم و بعد به محل خلوتی رفتیم و با چاقو چند ضربه به او زدم و وقتی مطمئن شدم مرده است به خانه برگشتم و به همسرم دروغ گفتم. ساعتی بعد هم به سراغ برادرم رفتم. این لکه ننگ را باید پاک می‌کردم، هرچند دخترم

بی‌گناه بود اما او قربانی رفتارهای کثیف برادرم شد. با اعترافات متهم، مأموران به سراغ محل قتل دختر نوجوان رفتند اما فقط توانستند چند تکه از استخوان‌های او و تیره و تار شد، دیگر زنده ماندن او فایده‌ای نداشت. دخترم را با خودم بیرون بردم و با او صبحانه خوردیم و بعد به محل خلوتی رفتیم و با چاقو چند ضربه به او زدم و وقتی مطمئن شدم مرده است به خانه برگشتم و به همسرم دروغ گفتم. ساعتی بعد هم به سراغ برادرم رفتم. این لکه ننگ را باید پاک می‌کردم، هرچند دخترم

پنهان کردن جسد پدر برای دریافت حقوق بازنشستگی

گروه حوادث / پسر جوان که به خاطر قطع نشدن حقوق بازنشستگی پدرش، در اقدامی عجیب جسد او را پس از مرگ در بیابان‌های پرنده مخفی کرده بود دستگیر شد.

چند روز قبل بستگان و آشنایان مرد سالخورده‌ای در تماس با پلیس مدعی شدند این پیرمرد که بیمار بوده به طرز مرموزی ناپدید شده است و خانواده‌اش نیز مدعی هستند از او خبری ندارند. اعلام این موضوع تحقیقات آغاز شد و مأموران به پسر این مرد ظن داشتند. سرهنگ علی زنگنه فرمانده انتظامی شهرستان ریاط کریم در تشریح این خبر گفت: پس از کسب خبری مبنی بر قتل یک فوت یک مرد سالخورده در یکی از محلات شهر پرنده، رسیدگی به موضوع در دستور کار مأموران پلیس آگاهی شهرستان ریاط کریم قرار گرفت.

مأموران پلیس آگاهی در تحقیقات گسترده خود به پسر جوان خانواده مشکوک شدند و وی را تحت بازجویی‌های مستمر قرار دادند تا اینکه در نهایت وی لب به اعتراف گشود و پرده از اقدام غیرانسانی خود برداشت.

فرمانده انتظامی شهرستان ریاط کریم افزود: متهم در بازجویی‌ها عنوان کرد که حدود ۱۰ روز پیش پدرش به دلیل بیماری در منزل فوت کرده بود و برای اینکه حقوق بازنشستگی پدرش قطع نشود، پس از ۲ روز، جسد پدرش را نیمه‌های شب، به بیابان‌های اطراف شهر پرنده منتقل و دفن کرده است.

فرمانده انتظامی ریاط کریم یادآور شد: بلافاصله پرونده‌ای تشکیل و تحقیقات در خصوص کشف زوایای پنهان پرونده و کشف جسد همچنان ادامه دارد.

طلاق به خاطر خرافات بودن همسر

گروه حوادث / پسر جوان وقتی فهمید همسرش با مراجعه‌ی در پی به فالگیر و رمال زندگی مشترک‌شان را بر پایه خرافات بنا نهاده است درخواست طلاق داد.

دیگر سمت فالگیر و رمال نمی‌رود اما اشتباه می‌کردم چون همسر خرافاتی من دست بردار نبود. آنقدر پیش این فالگیر و آن رمال رفته همه آنها را می‌شناسد. از همه بدتر، او غیر از آنکه پول گرفتی به جیب این افراد می‌ریزد همه این موارد را برای خانواده من و خانواده خودش هم تعریف می‌کند. شنیده‌ام که بعضی‌ها از او به نام سمانه جادوگراسم می‌برند. این مسئله برای من که در زندگی‌ام جز اراده خدا عامل دیگری را کارساز نمی‌دانم، خیلی سخت است. حالا بعد از مدت‌ها رفتارهایش خسته شده‌ام و می‌خواهم او را طلاق بدهم تا آرامش داشته باشم.

قاضی که صحبت‌های فرهاد را با تمام جزئیات گوش کرده بود بعد از کمی تفکر رو به سمانه کرد و گفت دخترم همسرت درست می‌گوید؟ سمانه که تا آن لحظه هیچ حرفی نزنده بود با لحنی حاکی از خجالت گفت: بله ولی من هدفم فقط زندگی‌ام بود. آقای قاضی من اگر پیش فالگیر نظر داشته‌اند که از قضا روز حادثه، همسر من هم برای فالگیری به آنجا رفته بود که پلیس به آن خانه ریخته و همه را دستگیر کرده بود. آقای قاضی خیلی خدا را شکر کردم که همسر قبیل از اینکه اتفاق بدی برایش رخ دهد متوجه کلاهبرداری آن مرد شده بود. فکرمی‌کردم بعد از این حادثه، او

وقتی زوج جوان وارد شعبه دادگاه خانواده شدند، دقایقی بعد قاضی سرش را از روی پرونده بلند کرد و رو به مرد جوان گفت: خوب آقا فرهاد بگو ببینم چرا دادخواست طلاق دادی؟ مرد جوان از جا بلند شد و یک مشت کاغذ را که در دستش بود روی میز قاضی ریخت و گفت: الان توضیح می‌دهم جادو آقا. من و سمانه همسایه‌های هم هستیم. از مادرم خواستم به خواستگاری او بروند. یکی، دو ماه بعد هم ازدواج کردیم، اما بعد از ازدواج، یک روز چند ورق کاغذ کوچک، گوشه‌ای از خانه پیدا کردم که حروف نامشخصی رویش نوشته بود. کمی تعجب کردم اما زیاد پیگیر ماجرا نشدم. چند شب بعد وقتی سرم را روی بالشی می‌گذاشتم تا بخوابم احساس کردم چیزی داخل بالش‌م است، خیلی آرام و پنهانی داخل بالش را باز کردم و دیدم چند تکه کاغذ شبیه همانی که قبلاً دیده بودم است. این بار بیشتر فکرم درگیر شد اما باز هم اهمیتی ندادم. یک روز هم سرزده و زودتر از موعد به خانه برگشتم که از ترس درجا خشکم زد؛ خانه پراز دود بود و بوی بدی همه جا پیچیده بود، فکر کردم آتش سوزی شده اما سمانه گفت که اسپند دود کرده است. این بار دیگر از او توضیح خواستم و گفتم باید بدانم او چه کار می‌کند. اوایل طفره می‌رفت و جواب درستی نمی‌داد تا اینکه بالاخره

مجبور شد و گفت وقتی در خانه است صداهای عجیبی می‌شنود و می‌ترسد برای همین هم پیش یک فالگیر رفته تا کمکش کند. من ساده‌هم حرفش را باور کردم و کلی دلداری‌اش دادم که اینها توهم است و واقعیت ندارد. از سمانه خواستم که دیگر پیش این جور آدم‌ها نرود چون آنها کلاهبردار و دروغگو هستند، حتی با خانواده‌اش هم صحبت کردم که او را تنها نگذارند تا حالش بهتر شود اما فقط چند روز اوضاع عادی بود و این بار اتفاقی رخ داد که خیلی عصبانی شدم. یک روز در محل کارم بودم که از کلانتری به من زنگ زدند و گفتند همسرت را در خانه یک فالگیر کلاهبردار دستگیر کرده‌اند. حاج آقا باورنار نمی‌شود از شدت ترس و ناراحتی تا به کلانتری برسم به مرز سکنه رسیدم. وقتی خودم را رساندم همسرم را کنار چند زن دیگر دیدم که گریه می‌کرد. پلیس به من گفت مدتی بوده که یک فالگیر کلاهبردار از که سابقه تعرض به زنان داشته و از مردم اخاذی می‌کرده زیر نظر داشته‌اند که از قضا روز حادثه، همسر من هم برای فالگیری به آنجا رفته بود که پلیس به آن خانه ریخته و همه را دستگیر کرده بود. آقای قاضی خیلی خدا را شکر کردم که همسر قبیل از اینکه اتفاق بدی برایش رخ دهد متوجه کلاهبرداری آن مرد شده بود. فکرمی‌کردم بعد از این حادثه، او

می‌گوید و با چه افتخاری این حرف‌ها را می‌زند؟ می‌دانم من از این کارها بدم می‌آید و باز هم ادامه می‌دهد. مطمئنم او خرافاتی و جن‌زده شده است. آخریک دختر ۲۵ ساله باید دنبال این خرافات باشد؟ قاضی پس از چند دقیقه سکوت، گفت بهتر است دو ماه به کلاس‌های مشاوره بروید، وقت زیاد دارید برای طلاق گرفتن، همسرتو باید ذهنیت خودش را تغییر بدهد که این کار با مشاوره مؤثر خواهد بود. اگر نتیجه گرفت و گو و محبت و توجه به همسرش، اعتماد و عشق او را به خود جلب کند و نیازی به فالگیر هم ندارد.

امیرحسین صفدری کارشناس حقوق

در این پرونده مشاهده می‌کنید که سمانه به جای پیدا کردن راه درست برای حل مشکلات زندگی مشترکش، دست به دامن خرافه‌پرستی و حرف‌های فالگیر و رمال شده است. سمانه باید بداند که در زندگی فقط به خدا توکل و اعتماد کند نه به کسی که دروغ می‌گوید و از این راه جیب خود را پر از پول می‌کند. او بدون تفکر و بدون توجه به خدا درگیر یک سری از تفکرات غلط و اشتباه شده است که همین موارد هم در زندگی او تأثیرات زیادی گذاشته و راه جدایی را برای او باز کرده و طلاق عاطفی را برای آنها به وجود آورده است. اگر این رفتارهای سراسر غلط سمانه ادامه پیدا کند راهی جز طلاق برای آنها باقی نمی‌ماند، حال آنکه او می‌تواند با گفت‌وگو و محبت و توجه به همسرش، اعتماد و عشق او را به خود جلب کند و نیازی به فالگیر هم ندارد.

حادثه او را دیدم که حال طبیعی نداشت کمکش کردم تا به خانه برود اما وقتی وارد خانه شدیم او می‌خواست به من تعرض کند که مقاومت کردم و با هم درگیر شدیم. او چاقویی از جیبش بیرون آورد که من را زبند من هم او را هل دادم و از آنجایی که مست بود به زمین

از خودم مجبور به قتل شدم. با تکمیل تحقیقات پرونده برای رسیدگی به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. در ابتدای جلسه اولیای دم درخواست قصاص کردند. سپس خسرو به جایگاه رفت و گفت: مقتول برادر دوستم بود روز

درگیری خونین در یکی از مناطق جنوب تهران آغاز شد. پس از آن مأموران به محل اعزام شدند و مشخص شد که پسر ۱۹ ساله‌ای به نام خسرو پسر ۲۵ ساله‌ای به نام شهرام را به قتل رسانده است. در ادامه خسرو دستگیر شد و به قتل اعتراف کرد و گفت: برای دفاع

گروه حوادث / پسر جوانی که در یک درگیری برادر دوستش را به قتل رسانده بود با رأی قضات دادگاه کیفری یک استان تهران به قصاص محکوم شد. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از اردیبهشت امسال با گزارش یک

مقتول برادر دوستم بود

خورد و چاقو وارد قلبش شد. باور کنید من فقط از خودم دفاع کردم. پس از اظهارات متهم قضات پایان جلسه را اعلام کردند و برای صدور رأی وارد شور شدند و با توجه به مدرک‌های موجود، شواهد پرونده و درخواست اولیای دم، خسرو را به قصاص محکوم کردند.